۴۶ - ای کنيز عزيز الهی

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۴۶ - ای کنيز عزيز الهی

ای کنيز عزيز الهی، نامه‌ات رسيد مرقوم نموده بودی که از شدّت غم اسيرم و در زندان شديد الحمد للّه آزاد گشتی و از زندان بايوان راه يافتی. مطمئنّ باش تأييد روح القدس ميرسد و نسائم جنّت ابهی ميوزد بهائی آزاد است و در اوج ملکوت اللّه در پرواز حزن و کدورت بخود راه مده بلکه بفرح و سرور ايّام بگذران تا در عالم محبّت اللّه تولّد يابی و از خوف و خطر بکلّی آزاد گردی. حيات ابديّه از برای تو مقدّر از چه ميترسی ابواب ملکوت بر رخت مفتوح از چه محزون شوی؟ حيات روحانی انسانی بعد از صعود از عالم جسمانيست چنانکه حيات جسمانی انسانی بعد از تولّد از عالم رحم بود هر چند در بطن مادر حياتی داشته ولی آن حيات بی فرح و ثمر بود چون از رحم مادر تولّد يافت و باين جهان قدم نهاد حيات جسمانی مکمّل شد. و همچنين در اين جهان هر چند انسان حيات روحانی دارد ولی حياتش مثل حيات جنين است وقتيکه از اين عالم بعالم ملکوت شتابد و بجهان الهی رود آن وقت حيات روحانی تامّ يابد. از خدا خواهم که موفّق بر ثبوت و استقامت در اين امر ملکوتی گردی آن وقت جميع آرزو و آمالت ميسّر گردد.

